

بررسی جایگاه اقتصادی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی و تغییرات آن

نورالدین شریفی^۱، رضامحمدیان امیری^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۲۲

چکیده

در این پژوهش، به بررسی وضعیت ایران در قالب ۲۱ شاخص اقتصادی در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ که آخرین اطلاعات موجود محسوب می‌شود، می‌پردازیم. بدین منظور، رتبه ایران را با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه در منطقه جنوب غرب آسیا تعیین می‌کنیم. افزون بر این، با استفاده از روش تاکسونومی عددی، رتبه کلی کشور در منطقه مورد مطالعه را تعیین و روند آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. منابع آماری پژوهش از منابع بین‌المللی مانند بانک جهانی تأمین می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع، ایران به لحاظ تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه و نسبت تشکیل سرمایه و پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و خالص تجارت خارجی در موقعیت بالایی قرار دارد؛ اما به لحاظ رشد این شاخص‌ها و بهره‌وری نیروی انسانی و انرژی در موقعیت متوسط و به لحاظ تورم، توزیع درآمد و نرخ بیکاری در

۱. دانشیار، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری؛ nsharify@umz.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی؛ kara_moha@yahoo.com

۱۲۰ / بررسی جایگاه اقتصادی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی و تغییرات آن

وضعیت پایینی قرار گرفته که موجب پایین بودن رتبه آن و تنزل موقعیت کشور در دوره مورد مطالعه در این منطقه شده است.

واژگان کلیدی: منطقه جنوب غرب آسیا، شاخص‌های اقتصادی، تاکسونومی عددی، رتبه‌بندی کشورها.

طبقه‌بندی JEL: E010, E310, O470, P450, E290

۱. مقدمه

منطقه جنوب غرب آسیا (شامل کشورهای آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) منطقه‌ای است که در برنامه چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، بی‌تا). این منطقه شامل ۲۶ کشور بوده که براساس اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله، قرار است جمهوری اسلامی ایران به قدرت برتر اقتصادی، علمی و فناوری آن در سال ۱۴۰۴ نایل آید.

بررسی جایگاه اقتصادی ایران در منطقه مورد نظر سند چشم‌انداز و تغییرات آن در سال‌های اخیر، این فرصت را فراهم می‌سازد تا موقعیت ایران در بین این کشورها با توجه به شاخص‌های مختلف اقتصادی مشخص شود. این بررسی فرصتی است تا عملکرد سیاست‌های اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه مشخص شود. انتظار می‌رود با شناسایی بهتر موقعیت ایران، نقاط قوت و ضعف آن برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر به منظور دستیابی به اهداف برنامه فراهم شود.

این پژوهش، به بررسی وضعیت ایران به لحاظ شاخص‌های مختلف اقتصادی در منطقه سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این راستا، تلاش می‌شود تا مدت طولانی‌تر، شاخص‌های اقتصادی متنوع‌تر و کشورهای بیشتری از منطقه را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر تفاوت در شاخص‌ها و کشورهای مورد بررسی، یکی از ویژگی‌های این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته، دوره نسبتاً طولانی‌تر مورد بررسی است که سبب جلوگیری از تأثیر حوادث اتفاقی در تعیین جایگاه کشورها می‌شود. از ویژگی‌های دیگر این پژوهش استفاده از روش تاکسونومی عددی در تعیین رتبه کلی برای کشورها در سال‌های مختلف است. با این حال، نبود اطلاعات

معتبر برای سال‌های اخیر ایران و برخی از کشورها از محدودیت‌های این پژوهش برشمرده می‌شود.

این مقاله در شش بخش سازماندهی شده است. بخش آتی به بررسی مطالعات انجام شده در زمینه موقعیت ایران در میان کشورهای دیگر می‌پردازد. بخش سوم به بررسی شاخص‌های مورد مطالعه پژوهش اختصاص دارد. معرفی مدل و روش برآورد در بخش چهارم ارائه می‌شود. داده‌ها و نتایج پژوهش بخش پنجم را تشکیل می‌دهد و سرانجام، جمع‌بندی یافته‌های پژوهش پایان بخش آن خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی جایگاه ایران در بین کشورهای دیگر، مطالعات متعددی انجام شده است. این مطالعات از دو جهت حایز اهمیت است. یکی از جهات قابل ملاحظه در این پژوهش‌ها، شاخص‌های مورد بررسی در ارزیابی کشورها می‌باشد. روش‌های استفاده‌شده در ارزیابی کشورها هم زمینه دیگر قابل توجه در این مطالعات است.

معمولاً شاخص‌های مورد مقایسه در پژوهش‌ها تا حد زیادی تابع اهداف پژوهش و قابلیت دسترسی به آمار و اطلاعات مربوطه است. به‌طورمثال، جعفری صمیمی (۱۳۷۵)، مسجدی (۱۳۸۱)، طباطبایی یزدی (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی و مافی (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی و ابوطالبی (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی، محمودی، وزند (۱۳۸۷)، پازوکی (۱۳۸۷)، کلانتری کاشی (۱۳۸۸)، ولی‌بیگی و پناهی (۱۳۸۹) و طباطبایی یزدی و حیدرپور (۱۳۸۹) وضعیت تعدادی از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند تولید ناخالص داخلی، رشد تولید ناخالص داخلی، جمعیت، اطلاعات نیروی کار، حساب جاری، نرخ تورم، نرخ بهره، تراز بودجه، شاخص توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و محیط کسب و کار و شاخص دسترسی به اینترنت در ایران و کشورهای دیگر را ارزیابی کرده‌اند. باستانی (۱۳۸۳) سه شاخص توسعه انسانی، توسعه جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی در سال ۲۰۰۳ را بررسی کرده است. جنوبی (۱۳۸۷)، ده شاخص آزادی اقتصادی کشورها، مرکب از شاخص‌هایی مانند آزادی کسب و کار، آزادی تجاری و آزادی سرمایه‌گذاری در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ را بررسی کرده است. بخشی، صمدی و برادران نصیری (۱۳۸۷) شاخص‌های آسیب‌پذیری امنیت غذایی را بررسی نموده‌اند. راستی

(۱۳۸۸) نیز چهار شاخص توسعه اقتصادی (سرانه تولید ناخالص داخلی)، توسعه تجاری (درجه بازبودن تجاری)، مالی و انسانی را مورد بررسی قرار داده است. روش‌های مورد استفاده، نکته قابل ملاحظه دیگر در پژوهش‌های انجام شده در زمینه تعیین جایگاه ایران در میان کشورها بوده است. جعفری صمیمی (۱۳۷۵) کشورها را با استفاده از میانگین مرتبه کشورها در شاخص‌های مختلف رتبه‌بندی نموده است. مسجدی (۱۳۸۱) ازدو روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی در تهیه شاخص واحد توسعه‌یافتگی کشورها استفاده کرده است. باستانی (۱۳۸۳)، امید بخش (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی و ابوطالبی (۱۳۸۶)، طباطبایی یزدی و مافی (۱۳۸۶)، بخشی، صمدی و برادران نصیری (۱۳۸۷)، پازوکی (۱۳۸۷)، کلانتر کاشی (۱۳۸۸) و راستی (۱۳۸۸) با تحلیل جداگانه شاخص‌های مختلف، کشورها را مقایسه کرده‌اند. طباطبایی یزدی، محمودی و زند (۱۳۸۷) نیز با استفاده از دو روش تحلیل پوششی داده‌ها و میانگین رتبه کشورها در شاخص‌های مختلف برای دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ اقدام به پیش‌بینی رتبه کشورها تا سال ۲۰۱۰ نموده‌اند. طباطبایی یزدی و حیدرپور (۱۳۸۹) با به‌کارگیری روش‌های کمینه-بیشینه، متوسط ساده رتبه‌ها و تحلیل پوششی داده‌ها، وضعیت ایران را در سال‌های سپری شده از سند چشم‌انداز در برنامه چهارم توسعه کشور، مورد بررسی قرار داده‌اند.

۳. معرفی شاخص‌های مورد مطالعه

در این پژوهش از ۲۱ شاخص که در ۹ محور دسته‌بندی شده است، استفاده شده است:

۳-۱. تولید

این محور شامل ۴ شاخص است. تولید ناخالص داخلی به قیمت خریداران شامل ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که در یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود. این شاخص به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای (قدرت) اقتصادی کشورها استفاده می‌شود.

رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت بازار با پول ملی، شاخص دیگر مورد استفاده در این پژوهش است. این شاخص که تولید ناخالص داخلی را در دو مقطع زمانی مورد توجه قرار می‌دهد، به‌عنوان معیاری برای مقایسه عملکرد کشورها در فاصله

آن مقاطع استفاده می‌شود. برخلاف شاخص تولید ناخالص داخلی کشورها که تا حد زیادی به شرایط و موقعیت کشورها مربوط می‌شود، این شاخص به عملکرد آنها نظر دارد.

سومین شاخص محور تولید، سرانه تولید ناخالص داخلی است. سرانه تولید ناخالص داخلی به صورت نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت کشورها تعریف می‌شود. به رغم قابلیت تولید ناخالص داخلی در نشان دادن قدرت اقتصادی کشورها، به دلیل نادیده گرفتن جمعیت، این شاخص نمی‌تواند در نشان دادن رفاه نسبی مردم آنها استفاده شود. بنابراین، از سرانه تولید ناخالص داخلی به عنوان متوسط رفاه ساکنان کشورها استفاده می‌شود. با این حال، به دلیل وابستگی این شاخص به تولید ناخالص داخلی، نارسایی‌های آن همچنان در این شاخص نیز وجود دارد.

سرانجام، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی چهارمین شاخص محور تولید است. همانند رشد اقتصادی که از تغییرات نسبی تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی نیز تغییرات نسبی سرانه تولید ناخالص داخلی یک سال را نسبت به سال پیشاز آن نشان می‌دهد.

۲-۳. بیکاری

به دلیل تفاوت کشورها از نظر جمعیت و تفاوت آنها به لحاظ نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار، برای مطالعه بیکاری، از نرخ بیکاری که به صورت درصد نیروی جویای کار بیکار تعریف می‌شود، استفاده شده است. با این حال، تفاوت در تعاریف نیروی کار و بیکاری در کشورها از نارسایی‌های این شاخص در مقایسه دقیق آنها بایکدیگر محسوب می‌شود.

۳-۳. بهره‌وری

سومین محور مورد مطالعه، شامل دو شاخص بهره‌وری (جزئی) نیروی کار و انرژی است. بهره‌وری (جزئی) نیروی کار از تقسیم تولید ناخالص داخلی به کل نیروی کار شاغل در اقتصاد به دست می‌آید. این شاخص که به صورت متوسط تولید هر نفر از نیروی کار شاغل در اقتصاد تعریف می‌شود، قابلیت تولید این عوامل را با توجه به سرمایه فیزیکی و انسانی کشورها نشان می‌دهد. با این حال، تفاوت در تعاریف نیروی کار شاغل و تولید ناخالص داخلی کشورها، سبب تفاوت این شاخص در آنها می‌شود.

شاخص دیگر مورد استفاده در محور بهره‌وری، تولید ناخالص داخلی به‌دست آمده از هر واحد انرژی مصرف شده در کشورها است. با توجه به محدودیت‌های منابع انرژی و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف انرژی، این شاخص به عنوان قدرت فنی کشورها در مصرف بهینه انرژی استفاده می‌شود.

۳-۴. توزیع درآمد

از ضریب جینی که چگونگی توزیع درآمد بین افراد یا خانوارهای مختلف را نشان می‌دهد، در این پژوهش استفاده می‌شود. از آنجا که شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی که متوسط سطح رفاه جامعه را نشان می‌دهد، متضمن چگونگی توزیع آن در جامعه نیست، استفاده از شاخص‌های توزیع درآمد در مقایسه بین کشورها مطرح می‌شود.

۳-۵. سرمایه‌گذاری و پس‌انداز

محور سرمایه‌گذاری و پس‌انداز که به وسیله ۴ شاخص بررسی می‌شود، زمینه‌سازی کشورها در جهت فراهم ساختن یکی از عوامل مهم رشد و توسعه را نشان می‌دهد. اهمیت دیگر سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، اشاره ضمنی آنها به رفاه اقتصادی جامعه به دلیل مازاد درآمد بر مصرف و اطمینان به سرمایه‌گذاری در جامعه است.

یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این محور، تشکیل سرمایه ناخالص یا سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی است که شامل افزایش در دارایی‌های ثابت اقتصاد به علاوه تغییرات خالص در سطح موجودی انبارها است. به دلیل نابرابری کشورها و اقتصاد آنها با یکدیگر، رشد سالانه تشکیل سرمایه ناخالص به قیمت ثابت، شاخص دیگری است که به منظور بررسی کشورها در زمینه سرمایه‌گذاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی و نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی دو شاخص دیگر مورد استفاده در این محور است که علاوه بر موارد پیش‌گفته، اولی به طور تلویحی به اطمینان سرمایه‌گذاری و دومی به رفاه اقتصادی جامعه اشاره دارد.

۳-۶. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جریان ورود سرمایه خالص به کشور است. این وجوه از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. از نظر اقتصادی باعث ورود تکنولوژی و مدیریت

به کشور می‌شود. از سوی دیگر، وسیله‌ای برای یافتن بازار و صادرات تلقی می‌شود. ایجاد فرصت‌های شغلی و نظایر آن، از منافع اقتصادی دیگر این نوع سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. از نظر سیاسی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با اعتماد خارجیان به اقتصاد ملی ارتباط مستقیم داشته که افزایش مراودات بین کشورها از عایدات دیگر این سرمایه‌گذاری است. این مزایا سبب می‌شود تا جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در مقایسه کشورها با یکدیگر به عنوان یک امتیاز مثبت ارزیابی شود.

۳-۷. اندازه جاری دولت

اندازه جاری دولت که به صورت نسبت هزینه‌های مصارف نهایی دولت به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود، شامل بخشی از تولید ناخالص داخلی است که به وسیله مخارج جاری (نه سرمایه‌گذاری) دولت به مصرف می‌رسد. اگرچه در مورد اندازه جاری دولت در زمان‌های مختلف نظریات متفاوتی ارائه شده است، ولی با توجه به بزرگ بودن اندازه جاری دولت در ایران، این شاخص به عنوان یک امتیاز منفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۸. تجارت بین‌الملل

محور تجارت بین‌الملل، شامل ۵ شاخص است که ۳ شاخص آن در مورد صادرات و ۲ شاخص دیگر در مورد تراز بازرگانی است.

اولین شاخص این محور، ارزش صادرات کالاها و خدمات به قیمت ثابت دلار سال ۲۰۰۰ است. به‌رغم مثبت بودن این شاخص که نشان‌دهنده کیفیت تولیدات کشور در رقابت با کشورهای دیگر است، مشخص نبودن ترکیب کالاها و خدمات و قیمت آنها در مبادلات بین‌المللی، از نارسایی‌های این شاخص محسوب می‌شود. شاخص دیگر مورد مطالعه در این محور، رشد سالانه صادرات کالاها و خدمات به قیمت ثابت است. این شاخص هم به‌رغم دربر داشتن تمام نارسایی‌های شاخص صادرات کالاها و خدمات، امکان مقایسه کشورها در این زمینه را فراهم می‌سازد. شاخص مورد استفاده دیگر این محور، نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی است. این شاخص میزان رقابت پذیری کالاها و خدمات تولید شده در داخل را نشان می‌دهد که می‌تواند به عنوان امتیاز مثبت مورد توجه قرار گیرد.

دسته دوم از شاخص‌های محور تجارت بین‌الملل، تراز تجاری کشورها است. یکی از این شاخص‌ها، خالص تجارت خارجی است که توان رقابت کشورها در عرصه داد و ستد بین‌المللی را نشان می‌دهد. شاخص دیگر این محور، نسبت تراز خارجی کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی کشورها بوده که با توجه به متفاوت بودن سطح اقتصادهای مورد مطالعه، به عنوان اهمیت تراز تجاری در اقتصادها، مقایسه می‌شود.

۳-۹. تورم

در این محور از دو شاخص استفاده می‌شود. یکی نرخ تورم سالانه تعدیل کننده تولید ناخالص داخلی و دیگری، رشد شاخص قیمت مصرف کننده است.

۴. مدل و روش برآورد

برای مطالعه وضعیت ایران، ابتدا مقادیر تمام شاخص‌های معرفی شده و تغییرات آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور، رتبه ایران با توجه به این شاخص‌ها، در سال‌های مختلف بررسی می‌شود. افزون بر این، برای دستیابی به یک شاخص واحد به منظور تعیین موقعیت ایران در سال‌های مورد بررسی و مطالعه تغییرات آن با توجه به تمام شاخص‌های یاد شده، از روش چند ضابطه‌ای استفاده می‌شود.

به این ترتیب، در این پژوهش از روش تاکسونومی عددی که نخستین بار توسط آدانسون^۱ در سال ۱۷۶۳ پیشنهاد شده است، استفاده می‌شود. رتبه‌بندی با استفاده از این روش معمولاً دارای چند مرحله بوده که با اندکی تفاوت در منابع مختلف ذکر می‌شود:

مرحله اول مربوط به تشکیل ماتریس داده‌ها (ماتریس X) است که عناصر این ماتریس را نشان می‌دهد. در این پژوهش، مقادیر مختلف X در سطرهای این ماتریس، n کشور مورد بررسی را نشان می‌دهد. ستون‌های این ماتریس هم نشان‌دهنده m شاخص مورد مطالعه است که با Z نشان داده می‌شود. به این ترتیب، برای رتبه‌بندی کشورهای مورد بررسی با توجه به m شاخص مورد مطالعه، ماتریس داده‌ها دارای n سطر و m ستون است.

1. Adanson

مرحله دوم مربوط به استانداردسازی داده‌های اولیه است که با واحدهای مختلف اندازه‌گیری می‌شود. برای حذف اثرات این ناهمسانی‌ها، ماتریس Z که از استاندارد کردن ماتریس X به دست می‌آید، محاسبه می‌شود:

$$\bar{x} = \frac{\sum_{i=1}^n x_{ij}}{n} \quad (1)$$

$$s_j = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_{ij} - \bar{x})^2}{n}} \quad (2)$$

$$z_{ij} = \frac{x_{ij} - \bar{x}}{s_j} \quad (3)$$

در این روابط، \bar{x} میانگین هر یک از شاخص‌ها، s_j انحراف معیار مقادیر شاخص‌ها و z_{ij} نیز عناصر ماتریس استاندارد شده Z را نشان می‌دهد.

به منظور بررسی همگنی کشورها با یکدیگر، در مرحله سوم ماتریس فاصله شاخص‌های کشورها از یکدیگر را محاسبه می‌کنیم. این ماتریس، که از رابطه ۴ به دست می‌آید، یک ماتریس متقارن است. از آنجا که قطر اصلی این ماتریس، فاصله شاخص‌های هر کشور را نسبت به خود آن کشور نشان می‌دهد، مقدار قطر اصلی این ماتریس صفر است.

$$d_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (z_{aj} - z_{bj})^2} \quad (4)$$

که در آن، d_{ab} فاصله شاخص‌های استاندارد شده کشور a را از کشور b نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مرحله سوم، دامنه همگنی کشورها را محاسبه می‌کنیم. بدین منظور، بردار کوتاه‌ترین فاصله از کوچکترین اعداد سطرهای ماتریس فاصله، که فاصله شاخص‌های کشورها را از یکدیگر نشان می‌دهند، به دست می‌آید:

$$D = \min [d_{ij}] = \begin{bmatrix} d_1 \\ d_2 \\ \vdots \\ d_n \end{bmatrix}, j = 1, 2, \dots, m, j \neq i \quad (5)$$

$$\bar{d} = \frac{\sum_{i=1}^n d_i}{n} \quad (۶)$$

$$S_d = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (d_i - \bar{d})^2}{n}} \quad (۷)$$

$$L_1 = \bar{d} - 2s_d, \quad L_2 = \bar{d} + 2s_d \quad (۸)$$

در این روابط، D بردار کوتاه‌ترین فاصله، \bar{d} و S_d به ترتیب، میانگین و انحراف معیار d_i عناصر بردار D ، L_1 و L_2 به ترتیب حد پایین و بالای دامنه همگنی کشورها را نشان می‌دهد. کشورهایی که کمترین فاصله آنها از کشورهای دیگر در این دامنه قرار دارند، با یکدیگر همگن بوده که می‌توانند با توجه به شاخص‌های در حال مطالعه، مقایسه شوند. مرحله پنجم مربوط به رتبه‌بندی کشورهای همگن است. برای این منظور، ماتریس استاندارد را برای کشورهای همگن دیگر تشکیل می‌دهیم. برای رتبه‌بندی این کشورها با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه، بزرگترین اعداد ستون‌ها را به عنوان مقادیر ایده‌آل تعیین می‌کنیم. با استفاده از رابطه ۹، فاصله کشورها از مقدار ایده‌آل محاسبه می‌شود.

$$z_{mj} = \text{Max}(z_{ij}), \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (۹)$$

$$d_{im} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (z_{ij} - z_{mj})^2} \quad (۱۰)$$

z_{mj} حداکثر مقدار شاخص j و d_{im} فاصله کشور i ام از مقادیر ایده‌آل شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

هرچه مقدار d_{im} کمتر باشد، فاصله کشور از وضعیت ایده‌آل شاخص‌ها کمتر است. در نتیجه، در رتبه بهتری قرار می‌گیرد.

۵. داده‌ها و نتایج تجربی

۵-۱. داده‌ها

بیشترین آمارهای این پژوهش از شاخص‌های توسعه جهانی^۱ بانک جهانی تهیه شده است. با این حال، اطلاعات مورد نیاز در خصوص دو شاخص ضریب جینی و نرخ بیکاری

1. World Development Indicators (WDI)

برخی از سال‌ها برای تعدادی از کشورها در این وب‌سایت وجود نداشت. برای جبران این کمبود از وب‌سایت‌های دیگر استفاده شده است.

بخش اصلی کمبود اطلاعات مربوط به نرخ بیکاری از وب‌سایت کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا استخراج شده است. این اطلاعات با اطلاعات وب‌سایت بانک جهانی برای سال‌هایی که اطلاعات وجود دارد، بسیار نزدیک است. کمبود اطلاعات ایران در زمینه نرخ بیکاری از وب‌سایت بانک اطلاعات اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است. با این حال، کمبود اطلاعات در زمینه نرخ بیکاری تعدادی از کشورها در برخی از سال‌ها را که اطلاعات مورد نیاز در منابع رسمی بین‌المللی در دسترس نبوده است، از طریق رشد خطی برآورد شده است.

کمبود اطلاعات در زمینه ضریب جینی ایران از وب‌سایت بانک اطلاعات اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأمین شده است. اما کمبود اطلاعات در زمینه ضریب جینی تعدادی از کشورها در برخی از سال‌ها را که از طریق منابع رسمی در اختیار نبوده است، از طریق رشد خطی برآورد شده است. نکته حایز اهمیت این‌که به دلیل تغییرات کند شاخص‌های ضریب جینی و نرخ بیکاری، انتظار می‌رود تا استفاده از رشد خطی تأثیر زیادی در نتایج پژوهش نداشته باشد. با این حال، به منظور بررسی حساسیت نتایج پژوهش به مقادیر برآورد شده، تحلیل حساسیت صورت می‌پذیرد.

همچنین، برای برخی از کشورها در تعدادی از سال‌ها به ویژه در زمینه تراز تجاری، کمبود اطلاعات وجود دارد. این داده‌ها از اطلاعات صادرات و واردات کالاها و خدمات وب‌سایت مرکز آمارهای اقتصادی و تحقیقات اجتماعی و آموزش کشورهای اسلامی^۳ محاسبه شده است.

1. United Nations Economic Commission for Europe

2. <http://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

3. The statistical Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRIC)

شاخص‌ها	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (%)	۱۰	۵	۹	۱۱	۱۴	۱۰	۱۱	۷	۱۰	۱۴	۱۴	۱۲	۸
نرخ بیکاری (%)	۱۲	۱۲	۱۸	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۴	۱۶	۱۷	۱۶
سرانه تولید ناخالص داخلی شاغلان (به قیمت ثابت ۱۹۹۰ PPP)	۷	۷	۷	۷	۸	۹	۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۲	۱۲
تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت ۲۰۰۵ PPP) حاصل از هر واحد انرژی (معادل هر کیلو گرم نفت)	۵	۵	۵	۵	۶	۷	۸	۸	۸	۹	۹	۱۰	۱۱
ضریب جینی	۱۳	۱۲	۱۳	۱۴	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۷	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
تشکیل سرمایه ناخالص (به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار آمریکا)	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳
رشد سالانه تشکیل سرمایه (%)	۵	۵	۱۰	۱۴	۱۰	۶	۱۳	۵	۵	۱۴	۱۲	۱۱	۱۱
سهم تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی (%)	۴	۲	۲	۳	۲	۲	۱	۱	۲	۲	۴	۳	۳
سهم پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی (%)	۱	۲	۱	۱	۱	۳	۴	۲	۲	۳	۵	۶	۶

شاخص‌ها	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
جریان وجوه خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (تراز پرداخت‌ها به قیمت جاری دلار آمریکا)	۱۲	۱۴	۱۵	۱۸	۱۵	۱۳	۱۴	۹	۸	۱۲	۱۱	۱۴	۱۱
هزینه‌های مصارف نهایی دولت به تولید ناخالص داخلی (٪)	۱۱	۹	۸	۸	۹	۹	۱۰	۱۰	۸	۵	۹	۱۱	۸
صادرات کالا و خدمات (به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار آمریکا)	۶	۶	۶	۶	۶	۵	۵	۵	۵	۵	۶	۶	۶
رشد سالانه صادرات کالا و خدمات (٪)	۱۷	۱۰	۱۵	۳	۹	۱۶	۱۵	۶	۱۰	۱۶	۹	۱۳	۱۴
نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (٪)	۱۶	۱۵	۱۶	۱۸	۱۲	۱۵	۱۶	۱۵	۱۵	۱۴	۱۲	۱۳	۱۲
خالص تجارت خارجی (تراز پرداخت‌ها به قیمت جاری دلار آمریکا)	۲	۲	۴	۱۵	۲	۳	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴
نسبت به تراز خارجی کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی (٪)	۳	۴	۴	۶	۲	۶	۸	۵	۷	۶	۷	۸	۶
رشد سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده (٪)	۱۰	۱۱	۱۲	۱۵	۱۳	۱۴	۱۴	۱۶	۱۷	۱۸	۱۸	۱۷	۱۸
نرخ تورم سالانه تعدیل‌کننده تولید ناخالص داخلی (٪)	۹	۱۰	۱۱	۱۳	۱۵	۱۵	۱۴	۱۶	۱۴	۱۸	۱۳	۱۳	۱۵

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

اما وضعیت رشد اقتصادی کشورهای منطقه در سال‌های مختلف تغییرات بیشتری داشته است. این امر سبب شده است تا رتبه ایران در برخی از سال‌های دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ که رشد اقتصادی آن در مقایسه با دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ عمده‌تأ بیشتر بوده است، پایین‌تر شود. براساس محاسبات انجام شده، ضریب همبستگی رشد اقتصادی ایران با رتبه آن در سال‌های مختلف ۰/۵۲- شده است. به بیان دیگر، به‌رغم این که با افزایش رشد اقتصادی رتبه ایران در منطقه بهتر شده است، ولی به دلیل وضعیت رشد اقتصادی کشورهای دیگر منطقه، این ضریب با ۱- که یک ارتباط کاملاً غیرهم‌سو را نشان می‌دهد، فاصله نسبتاً زیادی دارد.

از شاخص‌های دیگر محور تولید، سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن است. اگرچه مقدار سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در دوره مورد مطالعه رشد داشته است، اما مقدار این رشد، روند ثابتی ندارد. با این حال، با توجه به تعریف آن، تا حد زیادی به رشد تولید وابسته است؛ به طوری که ضریب همبستگی رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در این دوره بیش از ۰/۹۸ است.

جایگاه ایران به لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی در منطقه نیز تا حد زیادی همانند جایگاه آن در تولید ناخالص داخلی که در تمام دوره مورد مطالعه ثابت بوده است، تغییرات زیادی ندارد. ایران به لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی، از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۴ (به استثنای سال ۱۹۹۸)، در رتبه هشتم قرار داشته، اما از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ با یک رتبه تنزل، در رتبه نهم جای گرفت. یک مقایسه گذرا در جایگاه ایران در سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن نشان می‌دهد که رتبه ایران در سرانه تولید ناخالص داخلی در بیشتر سال‌ها از رتبه رشد آن بالاتر بوده است که این امر باعث تنزل رتبه ایران در سرانه تولید ناخالص داخلی شده است. ادامه این روند که به رشد تولید ناخالص داخلی، رشد جمعیت و وضعیت رشد کشورهای دیگر بستگی دارد، می‌رود تا رتبه ایران در سرانه تولید ناخالص داخلی را پایین‌تر بیاورد.

بیکاری که با شاخص نرخ بیکاری بررسی شده است، دومین محور مورد بررسی در این پژوهش است؛ به‌طور کلی، مقدار این شاخص در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ برای ایران روند صعودی داشته، اما از سال ۲۰۰۲ با کاهش ناچیزی، روند نوسانی به خود گرفته است. رتبه ایران به لحاظ این شاخص هم از ۱۲ تا ۱۸ در نوسان بوده است. با این حال، در نیمی از سال‌ها رتبه ۱۶ را در بین ۱۸ کشور مورد مطالعه دارد.

محور بعدی، بهره‌وری است که در قالب دو شاخص بهره‌وری نیروی انسانی و بهره‌وری انرژی بررسی می‌شود. بهره‌وری نیروی انسانی در سال ۱۹۹۶ نسبت به سال پیش از آن افزایش، ولی پس از آن تا سال ۲۰۰۱ یکسره روند کاهشی داشته است. اما روند مقدار این شاخص در ایران از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷ صعودی بوده است. با توجه به این تغییرات، جایگاه ایران یکسره روند نزولی داشته است؛ به طوری که از رتبه هفتم در سال ۱۹۹۵ به رتبه دوازدهم در سال ۲۰۰۷ تنزل کرده است.

بهره‌وری انرژی در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ با یک افزایش مختصر، بار دیگر کاهش و تا پایان دوره تقریباً ثابت مانده است؛ اما در مقایسه با کشورهای دیگر، جایگاه ایران از رتبه پنجم در سال ۱۹۹۵ روند نزولی داشته و در سال ۲۰۰۷ در رتبه یازدهم قرار گرفته است.

در محور توزیع درآمد از شاخص ضریب جینی استفاده شده است. براساس این شاخص، توزیع درآمد ایران در سه سال نخست دوره مورد مطالعه روند نوسانی و پس از آن تا سال ۲۰۰۱ ثابت و در سال‌های بعد، با افزایش ناچیزی بار دیگر در سطح ۴۰ درصد ثابت مانده است. جایگاه ایران به لحاظ توزیع درآمد در سال ۱۹۹۶ نسبت به سال ۱۹۹۵ اندکی بهبود، پس از آن تا سال ۲۰۰۳ روند نزولی داشته است. اما در سال ۲۰۰۴ با اندکی بهبود تا پایان دوره در رتبه پانزدهم ثابت بوده است.

در محور سرمایه‌گذاری و پس‌انداز از شاخص استفاده شده است. تشکیل سرمایه ناخالص در ایران روند ثابتی نداشته، به طوری که رشد آن در برخی از سال‌ها منفی بوده است. ایران به لحاظ حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در منطقه پس از ترکیه و عربستان سعودی در رتبه سوم قرار داشته است؛ با این حال، در برخی از سال‌ها ایران با پیشی گرفتن از عربستان سعودی در رتبه دوم جای گرفته است. اما موقعیت ایران از نظر رشد سالانه تشکیل سرمایه، پایین‌تر از موقعیت آن در تشکیل سرمایه و متغیر بوده است؛ به طوری که موقعیت آن در سال‌های مختلف از رتبه پنجم تا چهاردهم نوسان داشته است.

دو شاخص دیگر این محور، سهم تشکیل سرمایه ناخالص و پس‌انداز ناخالص به تولید ناخالص داخلی است. به طور کلی، این دو نسبت در سال‌های مختلف از ۲۹ تا ۴۴ درصد در نوسان بوده است. با این حال، سهم پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی به استثنای سال ۱۹۹۸، در سال‌های دیگر از سهم تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی

بیشتر است. اگرچه تاحدی این فاصله، قابل پذیرش است، ولی فاصله شدید آنها که می‌تواند به صورت خروج سرمایه از ایران و یا مصرف وجوه پس‌انداز به شکل‌های دیگر نمود پیدا کرده باشد، امتیاز مثبتی به حساب نمی‌آید. با این حال، شکاف این دو نسبت در سال ۱۹۹۵، ۹ درصد تولید ناخالص داخلی و در سال ۱۹۹۸ به ۲٪- آن رسیده است؛ اما بار دیگر روند آن صعودی شده، به طوری که در سال ۲۰۰۷، به ۱۱ درصد افزایش یافته است.

جایگاه ایران به لحاظ نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی در سال‌های مختلف از رتبه اول تا چهارم در نوسان بوده است. این سهم در سال ۱۹۹۶ در مقایسه با سال ۱۹۹۵ افزایش چشم‌گیری داشته است. اما پس از آن با نوساناتی همراه بوده که در سال ۲۰۰۴ با کاهش ناچیزی در سطح ۳۳ درصد ثابت مانده است. این امر سبب شده است تا رتبه ایران که در برخی از سال‌ها در جایگاه برتر منطقه جای داشته، در سال ۲۰۰۴ همانند سال ۱۹۹۵ بار دیگر به رتبه چهارم تنزل یابد. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ هم به‌رغم ثابت ماندن این نسبت در سطح ۳۳ درصد، به دلیل پایین آمدن این نسبت در کشورهای دیگر، جایگاه ایران با اندکی بهبود در رتبه سوم قرار گرفت.

محور دیگر، جذب سرمایه مستقیم خارجی بود که یک شاخص دارد. مقدار این شاخص به دو دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ قابل تقسیم است. در دوره نخست مقادیر آن بسیار ناچیز و با نوسانات شدید همراه بوده که بیشترین مقدار آن مربوط به سال ۲۰۰۱ است که به ۶۱ میلیون دلار رسیده است. اگر چه مقدار این شاخص در دوره دوم هم با نوسانات شدیدی روبه‌رو بوده، اما به‌لحاظ مقداری با دوره نخست قابل مقایسه نیست. به طوری که در ابتدای این دوره یعنی سال ۲۰۰۲، با یک جهش شدید به ۵۴۸ میلیون دلار در سال رسیده است. موقعیت ایران در بین کشورهای دیگر منطقه در جذب سرمایه مستقیم خارجی هم متناسب با مقادیر سرمایه جذب شده در نوسان بوده است. با این حال، در مجموع رتبه ایران در دوره دوم از دوره نخست بهتر بوده است.

هزینه‌های مصارف نهایی جاری دولت به تولید ناخالص داخلی، شاخص دیگر مورد بررسی این پژوهش است که به منظور محاسبه اندازه جاری دولت استفاده شده است. براساس این شاخص، مصارف نهایی جاری دولت در سال‌های مختلف از ۱۱ تا ۱۶ درصد

در نوسان بوده است. در این راستا، موقعیت ایران به لحاظ این شاخص در منطقه متوسط بوده و رتبه آن در این مدت از ۵ تا ۱۱ تغییر کرده است.

تجارت خارجی، محور دیگر بررسی شده در این پژوهش است که با ۵ شاخص صادرات و تراز تجاری مطالعه شده است. صادرات کالا و خدمات ایران روند ثابتی نداشته، به طوری که در برخی از سال‌ها با رشد منفی روبه‌رو بوده است. سهم صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی نیز نوسانات نسبتاً زیادی داشته است. با این حال، در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ که این سهم حداکثر ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده، در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ این سهم به حداقل ۲۷ درصد رسیده است.

اما موقعیت ایران در صادرات کالا و خدمات در منطقه که در ابتدای دوره در رتبه ششم بوده است، پس از یک رتبه ارتقا برای اواسط دوره، در سه سال پایانی این دوره، باردیگر به رتبه ششم تنزل یافته است. برخلاف موقعیت ایران در صادرات، موقعیت آن در رشد صادرات نوسانات بیشتری داشته است؛ به طوری که رتبه آن از ۳ تا ۱۷ در نوسان بوده است. موقعیت ایران در سهم صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی که می‌تواند حاکی از قدرت رقابت تولیدات آن در عرصه بین‌المللی باشد، بسیار پایین است. به بیان دیگر، در مقایسه با کشورهای دیگر، سهم بیشتری از کالاها و خدمات تولیدی ایران برای مصارف داخلی تولید و به مصرف می‌رسند.

تراز تجاری و سهم آن در تولید ناخالص داخلی در دوره مورد مطالعه بانوسانات زیادی همراه بوده، به طوری که مقدار آن در برخی از این سال‌ها منفی بوده است. اگر چه رتبه ایران در این شاخص‌ها تغییرات زیادی داشته، ولی به دلیل وسعت تجارت کشور، در زمینه تراز تجاری در بیشتر سال‌ها در زمره چند کشور نخست منطقه بوده است؛ امارت به ایران در زمینه نسبت تراز تجاری به تولید ناخالص داخلی که اندازه اقتصاد را در نظر می‌گیرد، تنزل داشته است، به طوری که جایگاه آن در بیشتر سال‌ها از رتبه تراز تجاری پایین‌تر بوده است.

تورم آخرین محور مورد بررسی است که در قالب دو شاخص رشد قیمت مصرف‌کننده و تورم سالانه تعدیل‌کننده تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار گرفته است. هر دو شاخص همواره دو رقمی و با نوساناتی همراه بوده که بیشترین مقدار آنها به سال ۱۹۹۵ مربوط می‌شود. موقعیت ایران به لحاظ این دو شاخص در منطقه مناسب نبوده،

به طوری که در تمام سال‌های مورد مطالعه در رتبه نهم و پایین‌تر از آن قرار داشته است، حتی در برخی از این سال‌ها در ردیف پایانی جدول جای گرفته است. در پایان، همان‌طور که در بخش معرفی منابع آماری اشاره شده است، به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات آماری ضریب جینی و نرخ بیکاری برخی از کشورها در بعضی از سال‌ها در منابع رسمی بین‌المللی، اطلاعات مورد نیاز آنها را برای این سال‌ها با رشد خطی مقادیر شاخص‌ها از سال‌های پیش و پس از آن برآورد شده است. بنابراین، حساسیت رتبه‌ها در اثر ۱۰ درصد تغییر در مقادیر تمام شاخص‌های برآورد شده که می‌تواند در اثر اشتباهات برآورد باشد، مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور، کشورهایی که نرخ بیکاری برآورد شده برای آنها، کمتر از نرخ بیکاری ایران بوده، نرخ بیکاری آنها در ۱/۱ و کشورهایی که نرخ بیکاری برآورد شده آنها بیشتر از نرخ بیکاری ایران بوده، در ۰/۹ ضرب شده است. همین تغییرات برای ضریب جینی نیز محاسبه شده است. جدول ۳، حساسیت رتبه ایران را برای شاخص‌های ضریب جینی و نرخ بیکاری نشان می‌دهد. براساس این نتایج، رتبه ایران در سال‌های مختلف در این شاخص‌ها، از ۲- تا ۳ واحد تغییر کرده است.

جدول ۲. تغییرات در رتبه ایران در شاخص‌های نرخ بیکاری و ضریب جینی در اثر ۱۰ درصد تغییر در مقادیر برآورد شده آنها

سال	نرخ بیکاری	ضریب جینی	سال	نرخ بیکاری	ضریب جینی
۱۹۹۵	۰	-۲	۲۰۰۲	۰	-۲
۱۹۹۶	۱	۱	۲۰۰۳	۰	۰
۱۹۹۷	-۱	۳	۲۰۰۴	۰	۰
۱۹۹۸	۱	-۱	۲۰۰۵	۱	-۲
۱۹۹۹	-۲	۲	۲۰۰۶	-۱	۰
۲۰۰۰	۱	۰	۲۰۰۷	۰	۰
۲۰۰۱	۰	-۱	-	-	-

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

رتبه کلی ایران با توجه به تمام شاخص‌های مورد مطالعه با استفاده از روش تاکسونومی عددی در رابطه ۱۰، محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده

می شود، ایران با توجه به شاخص‌های مورد مطالع ه، در سال ۱۹۹۵ در رتبه چهارم قرار داشته است. این جایگاه که در سال ۱۹۹۶ به رتبه سوم ارتقا یافت، از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ با نوساناتی همراه بوده است. اما در سال ۲۰۰۴ ایران با ۱۰ رتبه تنزل نسبت به سال پیش از آن، در رتبه ۱۶ جای گرفت. پس از آن، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ ایران با توجه به تمام شاخص‌ها در رتبه ۱۱ قرار گرفته است.

جدول ۳. رتبه کلی کشورها در سال‌های مختلف در منطقه جنوب غرب آسیا

کشورها	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
آذربایجان	۱۷	۱۱	۹	۹	۹	۱۲	۹	۹	۳	۳	۳	۳
اردن	۱۰	۱۴	۱۵	۱۲	۱۷	۱۲	۱۲	۱۲	۱۷	۱۴	۱۴	۱۷
ارمنستان	۱۸	۱۶	۱۷	۱۴	۱۵	۱۵	۱۴	۱۵	۷	۱۰	۴	۷
ازبکستان	۱۱	۱۰	۱۴	۱۵	۱۸	۱۶	۱۸	۱۶	۱۳	۱۶	۱۵	۱۳
امارات	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲
ایران	۴	۳	۶	۵	۷	۵	۸	۴	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
پاکستان	۹	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
تاجیکستان	۱۳	۱۸	۱۶	۱۶	۱۶	۱۱	۱۶	۱۷	۱۸	۱۸	۱۷	۱۸
ترکیه	۲	۲	۳	۷	۸	۱۴	۷	۱۵	۱۰	۵	۵	۱۰
ترکمنستان	۱۶	۱۷	۱۸	۱۳	۷	۷	۷	۴	۱۴	۱۵	۱۴	۱۴
رژیم صهیونیستی	۶	۵	۴	۳	۱	۱	۱	۵	۶	۴	۷	۴
عربستان	۳	۴	۱	۱	۳	۴	۱	۳	۱	۲	۱	۱
قبرس	۵	۶	۵	۴	۵	۳	۵	۴	۹	۹	۱۰	۹
قرقیزستان	۱۴	۱۵	۱۲	۱۸	۱۴	۱۷	۱۳	۱۴	۱۶	۱۷	۱۸	۱۶
قزاقستان	۱۲	۱۳	۱۰	۱۷	۶	۸	۶	۳	۵	۶	۸	۵
کویت	۷	۷	۸	۶	۱۰	۱۳	۶	۱۰	۴	۷	۶	۴
گرجستان	۱۵	۱۲	۱۳	۱۰	۱۴	۱۸	۱۴	۱۳	۱۵	۱۳	۱۳	۱۵
مصر	۸	۸	۷	۸	۹	۶	۸	۹	۸	۸	۹	۸
ایران با توجه ۱۰٪ تغییرات	۵	۳	۶	۶	۷	۵	۷	۷	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
تغییرات در رتبه کلی ایران	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

یک مقایسه ساده در رتبه ایران در شاخص‌های مورد مطالعه در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ علت این تنزل شدید را نشان می‌دهد. همان طور که در جدول ۱، ملاحظه می‌شود، علاوه بر تغییرات ناچیز در رتبه ایران در برخی از شاخص‌ها، جایگاه آن در هر یک از شاخص‌های رشد تولید ناخالص داخلی سالانه، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد سالانه تشکیل سرمایه، جریان وجوه خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد سالانه صادرات کالا و خدمات و نرخ تورم سالانه تعدیل کننده تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۴ در مقایسه با سال ۲۰۰۳، از ۴ تا ۹ رتبه تنزل یافته است. این در حالی است که جایگاه ایران در هیچ‌یک از شاخص‌ها بیشتر از ۳ رتبه ارتقا نداشته است.

سرانجام، سطر پیش از سطر پایانی جدول ۳، رتبه کلی ایران را با توجه ۱۰ درصد تغییر در مقدار نرخ بیکاری و ضریب جینی نشان می‌دهد. سطر پایانی این جدول هم که از تفاضل رتبه پیشین ایران از رتبه جدید آن (با توجه به تغییرات یاد شده) به دست آمده است، حساسیت رتبه کلی ایران را نسبت به این تغییرات نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود، رتبه کلی ایران نسبت به این تغییرات در برخی از سال‌ها حساسیت ناچیزی نشان داده، اما از آنجا که رتبه ایران در ایند و شاخص تاحدی پایین است، حساسیت نسبت به این تغییرات چندان قابل ملاحظه نیست.

۶. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، شاخص‌های اقتصادی با توجه به وضعیت ایران در آنها به پنج گروه تقسیم می‌شود. گروه نخست، شاخص‌هایی که ایران در زمره ۴ کشور برتر منطقه در رتبه نخست تا چهارم قرار گرفته است. براساس این تقسیم‌بندی، شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ناخالص، سهم تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی، سهم پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی (در بیشتر سال‌ها) و خالص تجارت خارجی (در بیشتر سال‌ها) در این گروه قرار دارند.

گروه دوم، شاخص‌هایی است که ایران در زمره پنج کشور متوسط به بالای منطقه در رتبه پنجم تا نهم قرار گرفته است. سرانه تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی حاصل از هر واحد انرژی مصرفی (در بیشتر سال‌ها)، اندازه جاری دولت (در بیشتر سال‌ها)، صادرات کالا و خدمات و نسبت تراز خارجی کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی در این گروه جای دارند.

گروه سوم شاخص‌هایی که رتبه ایران با توجه به آنها اندکی پایین‌تر از متوسط است. این دسته شامل شاخص‌هایی است که کشور ما با توجه به آنها در رتبه دهم تا چهاردهم قرار گرفته است. شاخص‌های رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (در بیشتر سال‌ها) و نرخ تورم سالانه تعدیل‌کننده تولید ناخالص داخلی (در بیشتر سال‌ها) در این گروه قرار دارند.

گروه چهارم هم شاخص‌هایی است که ایران با توجه به آنها در موقعیت پایین جدول قرار دارد. این گروه شامل شاخص‌هایی است که ایران براساس آنها در رتبه پانزدهم تا هجدهم جای گرفته است. نرخ بیکاری (در بیشتر سال‌ها) و نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی هم در این گروه جای دارند.

سرانجام گروه پایانی، شاخص‌هایی است که براساس آنها ایران در دو یا چند موقعیت از موقعیت‌های پیش‌گفته جای گرفته است. این گروه به نوبه خود به دو زیرگروه کوچکتر قابل تقسیم است. زیرگروه نخست شاخص‌هایی که رتبه ایران در آنها روند خاصی را دنبال نمی‌کند. رشد تولید ناخالص داخلی سالانه و رشد سالانه تشکیل سرمایه در این زیرگروه جای دارند. اما زیرگروه دیگر، شاخص‌هایی است که رتبه ایران در آنها روند نزولی دارد. سرانه تولید ناخالص داخلی شاغلان، ضریب جینی و رشد سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده هم در این زیرگروه قرار دارند.

رتبه کلی ایران در تمام شاخص‌ها هم که با استفاده از روش تاکسونومی عددی محاسبه شده است، متأثر از تغییرات در مقادیر این شاخص‌ها است. در مجموع، این رتبه روند نزولی دارد. به طوری که در دو سال نخست، ایران در گروه ۴ کشور برتر قرار داشته است. در سال‌های بعد به گروه دوم که شامل ۵ کشور دارای رتبه متوسط به بالا است، تنزل کرده است. در سال‌های پایانی مورد مطالعه هم به گروه سوم یعنی در زمره پنج کشور با رتبه متوسط به پایین جای گرفته است. با این حال، استثناهایی هم در رتبه ایران در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ مشاهده می‌شود.

در مجموع، ایران در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه، به لحاظ تولید ناخالص داخلی به ویژه تشکیل سرمایه و نسبت تشکیل سرمایه و پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و خالص تجارت خارجی در موقعیت بالایی قرار دارد. به لحاظ رشد این شاخص‌ها و بهره‌وری نیروی کار و انرژی در موقعیت متوسط قرار داشته و به لحاظ تورم، توزیع

درآمد و نرخ بیکاری در مقایسه با کشورهای دیگر در وضعیت پایین قرار دارد که تا حد زیادی موجب پایین آوردن رتبه ایران در منطقه شده است.

۷. منابع

- امیدبخش، اسفندیار. (۱۳۸۶). اقتصاد جهانی در سال ۲۰۳۰. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. قابل دسترسی در:
<http://www.isrjournals.ir/en/essay/431-essay-farsi-old-92.html>
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۳). توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان. مطالعات زنان، دوره دوم، شماره ۴، صص ۱۷۹-۱۸۸.
- بخشی، محمدرضا؛ صمدی، محسن و برادران نصیری، مهران. (۱۳۸۷). تراز یابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی بر اساس شاخص‌های تبیین‌گر آسیب‌پذیری و امنیت غذایی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶۳، صص ۲۱-۵۰.
- پازوکی، مهدی. (۱۳۸۷). مقایسه شاخص‌های کلان ایران و خاورمیانه. مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد. قابل دسترسی در:
http://ires.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=45&Itemid=52
- جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۷۵). روند شاخص‌های عمده اقتصاد کلان در کشورهای مختلف جهان: یک روش جدید برای درجه‌بندی کشورها. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲، صص ۲۴-۴۰.
- جنوبی، پیمان. (شهریور ۱۳۸۷) عملکرد اقتصاد کلان ایران از دیدگاه شاخص‌ها طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸؛ آفتاب، قابل دسترسی در:
www.aftab.ir/.../2008/.../c2c1220699631_economy_marketing_b-economy_iran.phpbusiness_budget
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. (بی تا). قابل دسترسی در:
<http://mefa.ir/lawattach-2-fa.html>

- حسینی، سید صفدر؛ کاوسی کلاشمی، محمد و دریجانی، علی. (۱۳۸۷). بررسی مزیت نسبی و اولویت‌بندی بازارهای هدف صادرات خاویار ایران. مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱-۸.
- راستی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت تطبیقی ابعاد مختلف توسعه (اقتصادی، تجاری، مالی و انسانی) در کشورهای عضو اوپک. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۹، صص ۶۵-۷۷.
- طباطبایی یزدی، رویا. (۱۳۸۶). چشم‌انداز اقتصاد ایران و چند کشور منطقه از منظر سازمان‌های بین‌المللی. معاونت پژوهش‌های اقتصادی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طباطبایی یزدی، رویا؛ محمودی، بهزاد و زند، فرزاد. (۱۳۸۷). شاخص ترکیبی رتبه اقتصادی کشورهای مهم منطقه آسیای جنوب غربی و دورنمای آن. گروه پژوهشی اقتصاد، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طباطبایی یزدی، رویا و ابوطالبی، زینب. (۱۳۸۶). وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطق‌های آسیای جنوب غربی. گروه پژوهشی اقتصاد، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طباطبایی یزدی، رویا و حیدرپور، افشین. (۱۳۸۹). سند چشم‌انداز و عملکرد برنامه چهارم توسعه در حوزه اقتصاد. همایش ملی بررسی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. چکیده مقالات، ص ۳۴.
- طباطبایی یزدی، رویا و مافی، فرزانه. (۱۳۸۶). وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با برخی از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی طی دهه گذشته. گروه پژوهشی اقتصاد، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها). تهران: انتشارات خوشبین.
- کلانترکاشی، ندا. (۱۳۸۸). ارزیابیم قایسه‌ای شاخص‌های تولید و درآمد ملی ایران و کشورهای منطقه. دفتر آمار و اطلاعات، وزارت بازرگانی.

- مسجدی، فرخ. (۱۳۸۱). سنجش توسعه یافتگی کشورها. پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۶۷-۱۰۳.
- ولی‌بیگی، حسن و پناهی، فاطمه. (۱۳۸۹). جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخص‌های توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و فضای کسب و کار). بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۳، صص ۲۷-۴۲.
- Dincer, S.E. (2011). Multi-Criteria Analysis of Economic Activity for European Union Member States and Candidate Countries: TOPSIS and WSA Applications. *European Journal of Social Sciences*, Vol. 21, No.4, pp. 563- 572.
- Movahedi, M. Haghdoost, A.A. Pournik, O. Hajarizadeh, B. & Fallah, M.S. (2008). Temporal Variations of Health Indicators in Iran Comparing with other Eastern Mediterranean Region Countries in the Last Two Decades. *Journal of Public Health*, Vol. 30, No.4, pp. 499-504.
- The Statistical Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRIC). Available from: <http://sesric.org/index.php>
- United Nations Economic Commission for Europe. Available from: <http://w3.unece.org/pxweb/Dialog/>
- World Bank. *World Development Indicators*, Available from: <http://data.worldbank.org>